



۲۱ ژوئن ۲۰۱۷، ملک سلمان طی حکمی شاهزاده محمد بن نایف را از تمام مناصب حکومتی همچون ولایتعهدی، معاونت شورای وزیران و وزارت کشور برکنار و شاهزاده محمد بن سلمان را ضمن حفظ مناصب قبلی همچون وزارت دفاع به ولایتعهدی و معاونت شورای وزیران عربستان سعودی منصوب کرد. گفتنی است ملک سلمان توانسته موافقت ۳۱ عضو از ۳۴ عضو هیات بیعت خاندان سعود را برای این تغییر مهم سیاسی اخذ کند.

«مجتهد» فعال افشاگر سعودی و نیز آکادمی واشنگتن در مطالعات خلیج‌فارس با اشاره به تئریرات صورت گرفته در هرم قدرت عربستان اعلام کردند شاه عربستان بزودی به نفع پسرش از قدرت کناره‌گیری خواهد کرد. برای بررسی این رویداد مهم و ابعاد و پیامدهای آن در عرصه سیاست داخلی و خارجی عربستان توجه به چند نکته اساسی لازم است.

در مورد چرایی این رویداد باید گفت ملک سلمان و شاهزاده محمد بن سلمان، در پی به دست گرفتن قدرت از خاندان سعود به خانواده سلمان هستند که بعد از مرگ ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی و جانشینی ملک سلمان، زمینه برای دستیابی به این هدف فراهم شد. این روند با برکناری شاهزاده مقرن بن عبدالعزیز، از نسل اول فرزندان ملک عبدالعزیز و جایگزین کردن شاهزاده محمد بن نایف از نسل دوم، آغاز شد تا اینکه با برکناری شاهزاده محمد بن نایف و انتصاب شاهزاده محمد بن سلمان به ولیعهدی، این روند تکمیل شد. گفتنی است قبل از صدور این حکم، با حمایت ملک

نگاهی به تحولات اخیر در عربستان

مهم‌ترین خبر پس از خبر مرگش!

- مرتضی سولیمی*

بن نایف، متعب بن عبدالله و بندر بن سلطان مانع جدی در رضایت کاخ سفید به جانشینی رسیدن شاهزاده محمد بن سلمان بودند و از سوی دیگر، برخی مقامات ایالات متحده آمریکا به‌دلیل اقدامات ماجراجویانه شاهزاده محمد بن سلمان در مورد این جانشینی تردید جدی داشتند.
۲- برگزاری اجلاس سسران ریاض: شاهزاده محمد بن سلمان در سفر مارس ۲۰۱۷ به واشنگتن، تدارک‌دهنده اصلی این دیدار و برگزارای اجلاس اسلامی، عربی و آمریکایی بود و به‌نظر می‌رسد در جریان برگزاری این اجلاس، ملک سلمان و شاهزاده محمد بن سلمان توانستند با شناخت روحیه اقتصادی ترامپ و بستن قراردادهای سنگین اقتصادی در زمینه‌های نظامی و نفتی نظر مساعد ترامپ را در این زمینه اخذ کنند.

۳- انتخاب شاهزاده خالد بن سلمان به عنوان سفیر عربستان سعودی در ایالات متحده آمریکا: ملک سلمان ۲۲ آوریل ۲۰۱۷، شاهزاده خالد بن سلمان، فرزند ۲۸ ساله خود را به سفارت در واشنگتن منصوب کرد تا از یک‌سوی لابی دیگر اعضای خاندان سعود را کمرنگ کند و از سوی دیگر ارتباطات با مقامات کاخ سفید بدون واسطه انجام شود.
با توجه به سیاست‌های اتخاذی شاهزاده محمد بن سلمان در عرصه سیاست داخلی و خارجی، وی دارای روحیه‌ای جسور و تحول‌خواه در سیاست داخلی و خارجی است و این روحیه منجر به اتخاذ سیاست‌های بعضاً رادیکال و ماجراجویانه در عرصه داخلی و خارجی شده است که به‌نظر می‌رسد بخشی از آن عبارت است از:

الف- داخلی

۱- شاهزاده محمد بن سلمان، تلاش زیادی را در جهت کاهش قدرت خانواده‌های بانفوذ آل سعود و به‌کارگیری افراد همسو خارج از خاندان در مناصب مهم حکومتی به‌کار برده است. برای مثال می‌توان به حاشیه‌راندن محمد بن نایف، ولیعهد و وزیر کشور؛ متعب بن عبدالله، وزیر گارد ملی؛ بندر بن سلطان، رئیس سازمان امنیت و سلمان بن سلطان، معاون وزیر دفاع و خانواده ملک فیصل اشاره کرد.
۲- شاهزاده محمد بن سلمان به‌دنبال ایجاد تغییراتی در ساختارهای اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به تحولات روز دنیا به‌جای سیستم فرسوده حاکم بر این کشور است. برای مثال وی برای جلب نظر مساعده نظامیان، کارمندان، تجار، فعالان اقتصادی، عشاریر و قبایل دست به اقدامات و اصلاحات اداری و اقتصادی مهمی زد که مهم‌ترین آن ارائه سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ بود.

■ ■ ■

۳- در امور نفتی شاهزاده محمد بن سلمان از یک‌سو برای بالا رفتن قیمت نفت، برخلاف سیاست‌های پیشین نفتی عربستان سعودی، دارای استراتژی کاهش سطح تولید اوپک است و در این زمینه حتی با تولیدکنندگان خارج اوپک همچون روسیه وارد مذاکره شده است. از سوی دیگر، برای پایین آوردن آثار کاهش قیمت نفت بر اقتصاد عربستان سعودی به‌دنبال فروش سهام آرامکو برای تبدیل درآمد حاصل از آن برای تقویت صندوق سرمایه‌گذاری عربستان سعودی است.

ب- خارجی

۱- شاهزاده محمد بن سلمان، به‌دنبال ایجاد هژمونی عربستان سعودی در سطح شبه‌جزیره عربستان است به‌طوری‌که با هر بازیگر ضد هژمون برخورد سخت می‌کند، نمونه آن برخورد شدید این کشور با یمن و قطر است.

۲- شاهزاده محمد بن سلمان به‌دنبال برتری عربستان سعودی در سطح منطقه غرب آسیا و جهان عرب است و دراین‌راستا بشدت به‌دنبال تضعیف چالش‌گران این برتری همچون جمهوری اسلامی ایران است.

۳- شاهزاده محمد بن سلمان در تلاش است ضمن درگیر کردن بیشتر ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا برای مهار جمهوری اسلامی ایران، به تنوع‌بخشی متحدان فرامنطقه‌ای خود در سیاست خارجی بپردازد. برای مثال، ضمن تقویت روابط ایالات متحده آمریکا به تقویت روابط با روسیه و چین هم پرداخته است.

دستیابی شاهزاده محمد بن سلمان به منصب ولیعهدی عربستان سعودی دارای پیامدهای داخلی و خارجی است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:
۱- ایجاد شکاف در خاندان سعود، اگرچه آل سعود به‌دلایل ویژگی‌های قبیله‌ای از بیرون بردن اختلاف داخلی پرهیز می‌کند ولی به‌نظر می‌رسد تغییرات شدید و به حاشیه رانده شدن افراد پرنفوذ خاندان، موجب ایجاد شکاف درونی در این خاندان شود که تبعات آن به‌تدریج نمایان خواهد شد.

۲- ثبات در سیاست‌های داخلی و خارجی: بسیاری از اقدامات ماجراجویانه شاهزاده محمد بن سلمان در داخل و خارج در راستای رسیدن به جانشینی ملک سلمان بوده و در شرایط کنونی نیازمند ایجاد ثبات و آرامش است، به نظر می‌رسد ملک سلمان و محمد بن سلمان، اقدام به ثبات‌بخشی و ایجاد آرامش برای مدیریت فضای داخلی و خارجی کنند.
۳- قابل پیش‌بینی‌تر شدن سیاست‌های عربستان سعودی: یک‌دست شدن تصمیم‌سازی و

اجرای سیاست داخلی و خارجی در عربستان سعودی کمک زیادی به دستگاه سیاست خارجی کشورهای دیگر و تحلیلگران می‌کند که با شناخت از ملک سلمان و محمد بن سلمان به پیش‌بینی دقیق‌تر سیاست‌های عربستان سعودی در آینده بپردازند.

۴- تداوم سیاست داخلی و خارجی عربستان سعودی: به‌لایل کمولت سن و بیماری ملک سلمان، انتظار می‌رفت با مرگ پادشاه و روی کار آمدن شاهزاده محمد بن نایف، شاهد تغییراتی در سیاست داخلی و خارجی عربستان سعودی باشیم که این امر با انتخاب شاهزاده محمد بن سلمان به ولیعهدی بسیار کمرنگ شده و به‌نظر می‌رسد شاهد تداوم سیاست داخلی و خارجی عربستان سعودی باشیم.

شاهزاده محمد بن سلمان که هم‌اکنون قدرت

اصلی را در دست دارد، یکی از ضدایرانی‌ترین افراد

آل سعود است که تاکنون در این خاندان به‌قدرت

رسیده است و برای کاهش نفوذ جمهوری اسلامی

ایران از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کند که این امر را ما

در سیاست‌های ضدایرانی‌بی‌سابقه عربستان سعودی

شاهد هستیم. عربستان سعودی به‌دلیل اقدامات

ضدایرانی و همچنین ایجاد اختلال در روند توسعه

سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی

ایران بعد از رژیم صهیونیستی و ایالات متحده

آمریکا یکی از اصلی‌ترین دشمنان تعریف شده

در راهبردهای کلان جمهوری اسلامی محسوب

می‌شود به‌طوری‌که به گواهی اکثر کارشناسان این

حوزه یک جنگ سرد واقعی بین طرفین وجود دارد

که هیچ بعید نیست با یک اتفاق تبدیل به جنگ

واقعی شود. عربستان سعودی اکنون چه به‌صورت

مستقیم و غیرمستقیم (نیابتی توسط گروه‌های

تروریستی) به منافع جمهوری اسلامی ایران در

کل منطقه غرب آسیا حمله می‌کند و در عرصه

اقتصادی نیز تلاش زیادی برای ایجاد محدودیت و

تحریم ایران می‌کند که به‌نظر می‌رسد با توجه به

تغییرات کنونی، این سیاست‌ها تداوم داشته باشد.

در جمع‌بندی این مطالب باید گفت انتخاب

محمد بن سلمان به ولایتعهدی عربستان سعودی

حاصل روندی بوده که پس از مرگ ملک عبدالله

آغاز شد و امروز به نتیجه رسیده است که پیامد کلی

آن تداوم سیاست عربستان سعودی در سطح داخلی،

منطقه‌ای و بین‌المللی است. دراین‌راستا، جمهوری

اسلامی ایران دارای سیاست مشخص با محوریت

ایجاد ثبات بدون دخالت خارجی در غرب آسیا و

خلیج‌فارس بوده است و هرگونه تغییری در خاندان

حاکم موجب دگرگونی این سیاست‌ها نخواهد شد.

«کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

فرهنگ، همچنان مسأله اصلی

مجید قاسمی: چند روزی است فضای رسانه‌ای کشور تحت تأثیر توصیه رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان و تبیین و چگونگی آن قرار دارد؛ امری مبتنی بر آتش به اختیار بودن نخبگان جوان و دانشجویان انقلابی هنگامی که احساس شود دستگاه‌های حاکمیتی متولی فرهنگ دچار اختلال و تشویش هستند. هرچند سیاق بحث مورد نظر در آن دیدار همه حکایت از جهت‌گیری صرفاً فرهنگی نکته مذکور داشت اما مانند رفتارهای غیرمنصفانه قبلی قماشی از رسانه‌هایی که روزگاری است جریان پوچ اندیش و مدعی گفتمان انقلاب را نمایندگی می‌کنند، تلاشی حقیرانه نسبت به تحریف موضوع از فرهنگ به یکسری موضوعات دسته چندم و اصطلاحاً حاشیه‌ای شکل گرفت.

نکاتی که در خطبه‌های باشکوه عیدفطر از سوی رهبر انقلاب بیان شد از یک طرف تبیین هرچه بیشتر فرمان آتش به اختیار بود و از طرف دیگر بیانگر نگاه نقادانه و مطالبه‌گرانه رهبر فرزانه نسبت به فعالیت‌های فرهنگی جریان انقلابی است.

به تعبیر دقیق‌تر جنس و فرم کنش‌های فرهنگی امروز جریان انقلاب نه در محتوا و نه در فرم توانایی پاسخگویی مناسب و شایسته در مقابل همه‌ها و آسیب‌های فرهنگی را ندارد.

در این رابطه چندنکته گفتمی است:

۱- حجم و کمیت فعالیت‌های موجود به هیچ‌وجه نمی‌تواند راضی‌کننده باشد، تاکید چندباره رهبر انقلاب مبنی کار خودجوش فرهنگی حاکی از اولویت هرچه بیشتر این مسأله نسبت به سایر مسائل روزمره دارد. برای مثال اشاره رهبری به اکتفا نکردن به فضای مجازی و توئیتر و کشیدن فعالیت‌های روشن‌گرانه به فضای واقعی و عینی‌تر، تأکیدی بر این مسأله است.

۲- مسأله دیگر نقدی روش‌شناسانه و ناظر بر کیفیت و چگونگی فعالیت‌های فرهنگی است. تعبیر فعالیت فرهنگی به مفهوم «میز» نشانگر این است که تلاش برای بالا بردن حجم فعالیت‌ها نباید عاملی برای غفلت از کیفیت و ظرافت تولیدات فرهنگی باشد. وقت آن رسیده در استفاده از ابزارهای فرهنگی یک تجدیدنظر جدی داشته باشیم. دیگر نباید به قالب‌ها و رسانه‌های سنتی اکتفا کرد. البته این بدان معنی نیست که اساساً فعالیت‌های فرهنگی در قالب‌های سنتی را کنار بگذاریم بلکه بدان معنی است که اولاً

در جهت یوایی همین ابزارها و اصلاح شیوه انتقال پیام آنها تلاش و ثابا خود را بیش از پیش و با قدرت بیشتر مسلط به ابزارهای رسانه‌ای امروزی کنیم؛ رسانه‌هایی که جوهر هنر در آنان حرف اول را می‌زند که همین خود عامل تأثیرگذاری با عمق هرچه بیشتر آنهاست. رسانه‌های تصویری و سینما از بهترین مصادیق این ابزارها هستند. اهمیت رسانه‌های تصویری یوبژه سینما تاجایی است که رهبری معظم در رابطه با آن می‌فرمایند: «سینما خیلی عنصر جذابی است، رسانه فوق‌العاده‌ای است، یعنی واقعاً الان هیچ چیزی مثل سینما نیست از لحاظ اثرگذاری».

اساساً بسیاری از چالش‌های فرهنگی جریان انقلاب با جریان دین حداقلی و تساهل‌گرا در زمینه مصادیق، همین رسانه‌هاست.

مسأله دیگری که نباید از آن غافل بود و آسیبی که همواره اثرگذاری و اعتبار تولیدات فرهنگی جبهه انقلاب را کمرنگ کرده، محتوازدگی کاملاًمشهود در آثار و عدم تسلط کافی بر فرم و ابزار هنری است.

۳- وقتی اولویتهای اصلی و نقطه حقیقی درگیری با دشمن با مختصاتی روشن اعلان می‌شود دیگر جای آزمون و خطا و خودسری‌های بی‌مورد نیست که تنها فایده‌اش دادن بهانه دست جریان‌های پوچ‌اندیش است.

در خاتمه باید گفت خوشبختانه اقتدر نمونه موفق تولیدات فرهنگی، درون جبهه فرهنگی انقلاب وجود دارد که مسیر پیش‌رو را بسی روشن و پرامید می‌کند؛ چه فعالیت‌های جمعی و سازمانی و چه فعالیت‌هایی که با محوریت یک یا چند تن از نخبگان جریان انقلابی به ثمر نرسشته است.

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

دریافت پیام‌های شما از سراسر کشور

